بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

(فصل فی المطهرات: آب - کیفیت تطهیر ظروف - کیفیت خاک مالی کردن ولوغ کلب - نظرات علماء در مورد کتاب فقه الرضا علیه السلام و نظر استاد )

امر دوم در ولوغ : کیفیت خاک مالی است دو صورت دارد :

صورت 1⃣ : ابتدا خاک را دورن ظرف ریخته و بعد از ریخته و با خاک ممزوج شود و در درون ظرف بکشید

صورت 2⃣ :خاک را در درون ظرف ریخته و بدون اب خاک مالی شود کاملا و بعد خاک را خالی کنند و بعد اب بکشند

مرحوم سید در عروه به هر دو صورت فتوا داد یک بار میگوید اولیٰ این است که تراب را بدون اب در در‌ون ظرف ریخته و خاک مالی کنند و بعد آن خاک را بریزند و آب را در ظرف ریخته و کاملا آن ظرف را بشویند با ر دیگر میفرماید همان خاک مالی کافی است بار سوم میفرماید خاک را با آب مخلوط کردن اقوی است عبارت ثم یجعل شیی من الماء یعنی اب را با خاک قاطی کردن

سوال : پس در متن میخواهد این را بگوید که آیا در خاک مالی ممازجت با آب شرط است یا خیر ؟

مرحوم صاحب جواهر و مرحوم امام و شهید ثانی قائل به مزج هستند که این اب با خاک قاطی شود اما به حدی نشود که از اسم خاک بودن خارج نشود

عده ای از فقها هر دو صورت را قبول دارند هم قاطی کردن و هم خاک خشک چون لحصول الغرض غرض از خاک مالی ازاله نجاست است هم با خاک و هم با خاک مرطوب این کا رانجام میشود

نظر استاد : وجه اول اقوی و اظهراست یعنی مخلوط شدن خاک با اب چون امام صادق علیه السلام فرمودند اغسله بالتراب تعبیر به غَسل کردند و نفرمودند التعفیر بالتراب ؛ از این تعبیر امتزاج فهمیده می‌شود نظیر اینکه میگویند غسلت یدی بالسدر و الصابون چون هدف امامان علیهم السلام این است که لعاب سگ خیلی میکروب دارد و شدید است وقتی اب با خاک مخلوط شود کار سدر و صابون را انجام میدهد پس منظور از اغسله بالتراب یعنی زوالها بالمایع المرکب من التراب و الماء

امر 3⃣ : مرحوم شیخ مفید علاوه بر خاک مالی و دو بار شستن قائل به تجویف است یعنی بعد از شستن خشک کن انرا و رطوبت ان را بگیر ؛ ☑️ نظرات علماء :

نظر 1⃣ : صدوقین یعنی پدر و پسر تابع همین فتوا شدند و عده ای از متاخرین حتی معاصرین هم این نظر را دارند و دلیل اینها روایتی است از کتاب فقه الرضا که و ان وقع کلب او شرب منه اُهریق الماء و غَسل الاناء ثلاث مرات مرة بالتراب و مرتین بالماء ثم یُجفَّ یا خشک شود یا خودتان خشک کنید

نظر 2⃣ : مرحوم اقای خویی و اقای حکیم و امام دارند ☑️ که هم اشکال سندی و دلالی دارند

🔷 اما اشکال سند ی این کتاب ثابت نشده که یک کتاب روایی است مثل تهذیب شیخ گویا یک کتاب فتوایی است

🔷 امااشکال از نظر دلالی امر به تجویف یک امر عادی است که در میان مردم انجام میشود و نیازی به شرع نیست

☑️ نظرات علما در خورد کتاب فقه الرضا علیه السلام :

نظر 1⃣ : مرحوم سید نعمت الله جزایری در مقامات شرحش بر تهذیب به نوعی میخواهد این کتاب را به نوعی یکی از کتب روایی است چون مینویسد کتب اربعه تمام نیازهای ما را ندارد به غیر آن عیون اخبار الرضا علیه السلام و امالی و احتجاج دیده ام که بزرگان در فتاوی مراجعه کرده اند و حتی بعضی از فتاوای ما را به استناد این کتابها را رد کرده اند خصوصا کتاب فقه الرضا که از بلاد هند به اصفهان آمد و الان در کتابخانه استاد ما علامه مجلسی است و مشتمل بر بسیاری از احکام شرعیه است در حدائق الشیعه ج ۱ ص ۲۵ و در صفحه بعد شیخ یوسف بحرانی به نقل از مرحوم قاضی که سید فاضل محدث بود میگوید که برای من علم حاصل شد که این کتاب را امام رضا علیه السلام نوشتند و اکثر روایات این کتاب موافق روایاتی آیت که در کتاب من لا یحضره الفقیه ذکر کرده است

نظر 2⃣ : در خاتمه مستدرکدالوسائل میرزای نوری مینویسد که این کتاب دو قسم دارد یک قسم مال امام رضا علیه السلام هست و قسم دیگر ان مال تالیفات محمد بن احمد عیسی است

نظر 3⃣ : در کتاب اصول و علم رجال بین ////و التطبیق ص۳۶۵ مینویسد که عده ای از فقها این کتاب را تالیف پدر شیخ صدوق ابن بابویه میدانند و عده دیگر از فقها مولف آن را یکی از فرزندان یکی از امامان معصوم علیهم السلام میدانند. و عده دیگر مولف کتاب را محمد بن علی شلمغانی می دانند

نظر 4⃣ : مرحوم مجلسی در بحار ج ۱ ص ۱۹۹ مینویسد اکثر روایات این کتاب مطابق با کتاب من لا یحضره الفقیه است که بدون سند نقل کرده است و هم مطابق با نامه ای است که پدر صدوق به صدوق نوشته در این کتاب بیشتر خبرهایی که اصحاب بدون /////ذکر کرده اند یافت میشود

نظر 5⃣ : مرحوم امام ره مینویسد این کتاب به احتمال قوی تالیف علمایی است که با حدیث آشنا دارند و روایات را به اجتهاد خود جمع اوری کرده ؛ کتاب الطهاره ج ۲ ص ۲۸۷

🔷 نظر استاد : خلاصه نقل ما این است که کلام اقای خویی مخدوش است که فقه رضوی ثابت نشده از کتب روایی باشد چون اکثر این را کتاب روایی میدانند لذا دلالت حدیث هم مشکلی ندارد و نظر ما این است که تجویف مستحب است چون این روایت بیشتر اشاره دارد به اینکه سه بار بشوید مرتبه اول با خاک و دوبار با آب و کاملا با صحیحه فضل یکی است و چون در صحیحه فضل یجفف نیامده حمل بر وجوب نمیشود و فقها حمل بر وجوب تجویف نکرده اند چون تجویف از شرایط تطهیر نیست یا اینکه ارشاد به تنظیف باشد چون خشک بودن مناسب با طبع آدمی است